شهرآرا
روزنامه شهرامید وزندگی
SHAHRARANEWS.IR
شنبه
۱۸ آبان ۱۳۹۸
۱۱ ربیع الاول ۱۴۴۱
شماره ۲۹۶۳
۱۲
حوادث شهر

صدای مشاور

ستون صدای مشاور جایی برای بیان پرسش‌ها و مشکلات حقوقی شما شهروندان است که می‌توانید آن‌ها را با ما در میان بگذارید و پاسخ سؤالات خود را از قضات دادگستری، وکلا و کارشناسان حقوقی دریافت کنید.

پیامک:
۳۰۰۰۷۲۸۹
تلفن:
۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵
پیام رسان:
۰۹۱۵۴۲۹۴۵۸۰
شهروندان گرامی با هدف پیگیری دقیق و سریع مسائل مطرح شده، لطفا آدرس و اطلاعات کاملی در اختیار ما قرار دهید.

نجات ۴نفر از مرگ

محمد حسن سیرجانی| ۴بیمار نیازمند به عضو در مرحله نهصد و چهل و هشتمین عمل پیوند اعضا در مشهد از مرگ نجات پیدا کردند.

در این عمل جراحی معصومه شمسکی، بیمار چهل‌وچهار ساله مرگ مغزی که در یک حادثه دچار این عارضه شده بود و در بیمارستان امام زمان(عج) مشهد تحت مراقبت‌های ویژه قرار داشت طبق نظر پزشکان متخصص این مرکز به واحد فراهم‌آوری اعضای پیوندی در مرکز پیوند اعضای دانشگاه علوم پزشکی مشهد معرفی شد. این بیمار مرگ مغزی پس از انجام مراحل اولیه تأیید مرگ مغزی با رضایت خانواده‌اش از بیمارستان امام زمان (عج) به بیمارستان منتصریه منتقل

شد و تحت عمل جراحی اهدای عضو قرار گرفت. به گفته مسئول واحد فراهم‌آوری اعضای پیوندی دانشگاه علوم پزشکی مشهد کلیه‌های زنده‌یاد معصومه شمسکی به زنی بیست‌وهفت ساله و مردی پنجاه‌ونه ساله اهل و ساکن شهرستان تربت‌جام که سال‌ها از نارسایی کلیه رنج می‌بردند و با دیالیز تحت درمان بودند به صورت رایگان اهدا و پیوند شد. دکتر ابراهیم خالقی ادامه داد: کبد مرحوم معصومه شمسکی نیز به بیمارستان بوعلی سینای شهر شیراز ارسال شد و به یک بیمار جان دوباره‌ای بخشید. همچنین قسمتی از پوست زنده‌یاد معصومه شمسکی به بخش سوختگی بیمارستان امام رضا(ع) مشهد ارسال و موجب نجات و ادامه زندگی یک بیمار دیگر شد.

گزارش روز

سرقت با چاشنی غفلت

متن: نیشابوری

پرده اول

هوا تاریک شده بود که زن جوان و خواهرش برای خرید از خانه بیرون رفتند. جلوی یک مغازه محو تماشای ویترین شده بودند که زن جوان دست دختر کوچکش را رها کرد و داخل مغازه رفت. چشمش کالایی را گرفته بود و مشغول انداز ورنداز آن شد و بعد هم از خواهرش خواست تا او هم درون مغازه برود. دو خواهر سرگرم تماشای کالاها شدند و مبینا هم در پیاده‌رو مشغول بازی بود.

دقایقی گذشت که زن متوجه غیبت فرزندش شد برای همین با عجله از مغازه بیرون زد اما اثری از فرزندش نبود. هراسان لابه‌لای جمعیت دنبال مبینا می گشت و مدام اسمش را صدا می‌زد اما انگار بچه آب شده و در زمین فرو رفته بود.

نگران و پریشان بود که ناگهان دخترش را دید گوشه‌ای از خیابان ایستاده و گریه می کند. خودش را به او رساند و در آغوشش گرفت. دخترک ترسیده بود و زبانش هم بند آمده بود. می گفت مردی غریبه با این بهانه که برایش بستنی می‌خرد او را چند قدم با خود برده و بعدهم داخل یکی از کوچه‌ها گوشواره طلایش را دزدیده و فرار کرده است.

زن جوان در حالی که دختر چهارساله خود را در آغوش گرفته بود با پلیس ۱۱۰تماس گرفت و طولی نکشید که مأموران کلانتری ۲۵ مشهد در محل حاضر شدند. بررسی سرنخ‌های موجود موجب چهره‌زنی متهم شد از همین رو تحقیقات برای دستگیری این فرد آغاز شد.

پرده دوم

زن جوان با پلیس ۱۱۰تماس گرفت. آشفته و عصبانی حرف می‌زد. مأموران کلانتری ۲۴ مشهد با دریافت گزارش سرقت بلافاصله در محل حاضر شدند. زن بعد از روبه‌رو شدن با مأموران پلیس گفت: «سرگرم کارهای خانه بودم و دختر کوچکم هم مشغول بازی با عروسک‌هایش بود. نزدیک ظهر بود که زنگ خانه را زدند. برادرم و همسرش بودند و می گفتند نزدیک خانه ما بوده و برای احوال پرسی آمده‌اند. هر چه اصرار کردم به خانه نیامدند و فقط یک عروسک که برای مریم خریده بودند را به او هدیه دادند و رفتند. دخترم دنبالشان دوید و گریه می کرد و می خواست با آن‌ها برود برای همین برادرم گفت چند دقیقه‌ای اجازه بدهم تا مریم جلوی در خانه بازی کند. فقط چند دقیقه او را تنها گذاشتم که با صدای گریه‌اش خودم را به بیرون رساندم.»

زن ادامه داد: «دختر سه ساله‌ام دل می‌زد و گریه می کرد. او را در آغوش کشیدم. دست‌هایش را روی گوش هایش گذاشته بود. فکر می کردم گوش هایش درد گرفته‌اند وقتی دستش را برداشتم متوجه شدم گوشواره‌هایش را دزدیده‌اند. یکی از همسایه ها می گفت از دور جوان موتورسواری را دیده که جلوی خانه ما توقف کرده و پس از گفت‌وگویی کوتاه با دخترم گوشواره‌هایش را سرقت کرده و متواری شده است.»

تیم تجسس کلانتری ۲۴ مشهد با توجه به سرنخ‌های موجود تحقیقات خود را برای دستگیری این سارق خیابانی آغاز کرد.

پرده سوم

دختر شش ساله بهانه می گرفت و با نق‌زدن‌هایش حوصله مادرش را سر برده بود. مادرش هم مثل هر روز او را به خانه همسایه برد تا با دختر آن‌ها بازی کند. نرگس و دختر همسایه مشغول بازی شدند به دور از چشم مادرهایشان در خانه را باز کردند و بیرون رفتند.

زمانی نگذشته بود که نرگس شروع به جیغ زدن کرد و مادرش که حسابی هول شده بود به همراه زن همسایه سراسیمه خود را جلوی در خانه رساندند. دختر همسایه می گفت یک زن ناشناس با دادن یک شکلات به نرگس گوشواره‌های طلایش را از گوش او باز کرده و با خود برده است.

با گزارش موضوع به پلیس مأموران تجسس کلانتری محل وارد عمل شدند و تحقیقات با توجه به سرنخ‌های موجود برای دستگیری زن سارق که طبق شواهد موجود اعتیاد به موادمخدر هم دارد آغاز شد.

پرده چهارم

مرد جوان عصبانی بود و می گفت: «سر همین مسئله با هم جروبحث داشتیم. هر چه می گفتم طلا و زیور آلات برای بچه خوب نیست و می تواند خطرآفرین باشد، فایده‌ای نداشت. همسرم مثل همیشه حرف‌های مرا به باد تمسخر می گرفت و می گفت بچه من باید از دختر خاله‌ها و دختر عمویش یک سر و گردن بالاتر باشد. او یک جفت گوشواره و یک النگو و گردنبند کوچک طلا برای دخترم خرید و برخلاف تذکرات من آن‌ها را به سر و گردن او انداخت.»

او ادامه داد: چند روز پیش بعد از ظهر برای خرید به یک مجتمع بزرگ تجاری رفتیم و مهتاب که تازه راه رفتن یاد گرفته بود به این طرف و آن طرف می رفت. کمی از ما فاصله گرفته بود که خانمی جوان کنارش ایستاد و یک بیسکویت به دخترم داد. من آن‌ها را نگاه می کردم و زن غریبه دخترم را در آغوش گرفت و بعد از آن هم بلند شد و رفت. حتی با من و همسرم هم خوش و بش کرد. مهتاب به طرفم برگشت تا بیسکویت را برایش باز کنم که همسرم متوجه شد زن ناشناس گوشواره‌ها و گردنبند طلای دخترم را درست جلوی چشم ما سرقت کرده است. بلافاصله وارد عمل شدم و در پی یافتن آن زن بازار را زیر و رو کردم اما اثری از او نبود. به همسرم گفتم اگر به خاطر همین طلاها بچه را می دزدیدند چه کار می کردی؟»

این موضوع هم به پلیس گزارش شد و تحقیقات برای شناسایی و دستگیری زن سارق آغاز شد.

پرده آخر

زن و مرد جوان پسر کوچکشان را به پارک محله آورده بودند. پسرک چهار ساله که از فضای آپارتمانی دور شده بود با شادی به این طرف و آن طرف می دوید. دقایقی بعد به سمت پدر ومادرش آمد و ساندویچ کوچکی که مادر برایش درست کرده بود را گرفت و گوشی تلفن همراه را هم از داخل کیف دستی مادرش برداشت.

پسرک در حالی که ساندویچ می خورد گوشی تلفن را روشن کرد تا آهنگ کودکانه مورد علاقه‌اش را گوش کند. از پدر و مادرش دور شد و بعد از چند دقیقه برگشت اما اثری از گوشی تلفن همراه نبود. می گفت مردی جوان گوشی را از دستش گرفته و یک شکلات به او داده است.

زوج جوان موضوع را به پلیس ۱۱۰ اطلاع دادند و از عکس‌های شخصی که در حافظه گوشی داشتند ابراز نگرانی می کردند. تحقیقات این پرونده نیز همانند دیگر پرونده ها آغاز شد.

پرونده های سرقت همچنان در پلیس و دستگاه قضایی گشوده می شوند که هنوز متهمانشان به دام قانون گرفتار نشده‌اند. جرمی که غفلت عنصر اصلی شکل گیری آن است و مال‌باختگان با بی توجهی به انجام حداقل های پیشگیرانه موجب بروز این حوادث می شوند. آیا وقتش نرسیده تا کمی حواسمان را بیشتر جمع کنیم؟

سردار محمدکاظم تقوی، فرمانده انتظامی استان خراسان رضوی:

مأموران پلیس امنیت عمومی در عملیاتی ضربتی موفق به کشف ۴۰۰۰ کیلو محموله گوشت و ۱۵۰۰ کیلو پنیر پیتزای غیرمجاز از خودروهای حمل بستنی و نیز دستگیری ۲ متهم در مشهد شدند.

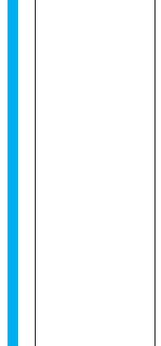

انتقام آتشین داماد از مادر زنش

مردی به دلیل مشکلات خانوادگی با همسر، خانه مادر زنش را سوزاند

مهدی قرآنی

سراپای وجودش پر بود از کینه و انتقام. هر طور بود می‌خواست انتقامش را از زن و مادرزنش بگیرد برای همین آتشی به‌پا کرد تا همه چیز را پای هم بسوزاند و خاکستر کند حتی فرزندش را. شعله‌های آتش مانند اسبی که افسارش را پاره کرده و همه چیز را زیر پایش له می‌کند، زبانه می‌کشید و هرچه به دستش می‌آمد را می‌بلعید. دود فضای کوچه و خیابان را فرا گرفته بود و اهالی خانه آتش گرفته در حالی که دو کودک را به بغل گرفته بودند از دل آتش بیرون زدند.

آتش کم‌کم داشت به خانه همسایگان هم رسوخ می‌کرد که مأموران آتش‌نشانی آمدند و قبل از اینکه دیو سرخ، خسارات دیگری را به وجود آورد، از هر طرف به او حمله بردند و آن را فرونشاندند.

با اینکه آتش خانه فروکش کرده بود اما دو کودک بی‌گناه دچار سوختگی شدید شده بودند که مأموران اورژانس حاضر در محل پس از اقدامات اولیه پزشکی آن‌ها را به بیمارستان انتقال دادند.

در این میان اما زمزمه‌ای بین همسایگان پیچیده بود که از عمدی بودند این حادثه حکایت داشت. در ادامه مهار این حریق، پای مأموران انتظامی هم به محل باز شد و مالک خانه حادثه دیده که زندگی‌اش نابود شده بود به افسر پلیس گفت: «او را بگیرید و جان ما را نجات دهید. دامادم زندگی‌ام را سوزاند. اگر مهار نشود ممکن است دختر، نوه و من را هم بکشد.»

در همان دقایق ابتدایی تحقیقات مأموران انتظامی، مظنون احتمالی این آتش‌افروزی شناسایی و تحقیقات درباره داماد فراری خانواده که از قضا با همسرش هم مشکل داشت با دستور قضایی آغاز شد.

دستگیری داماد خشمگین در قرار صوری

بررسی‌های میدانی برای دستگیری متهم آغاز شده بود ولی هیچ سرنخی از او در دست نبود و همین کار دستگیری را سخت می‌کرد. انگار آب شده و در زمین فرو رفته بود که البته همین موضوع شک مأموران را در نقش داشتن مرد سی‌وسه ساله در به آتش کشیدن خانه مادر زنش قوت می‌بخشید. با توجه به حساسیت ماجرا دستور ویژه‌ای برای دستگیری این متهم از سوی مقام قضایی صادر شد و تحقیقات پلیسی برای یافتن داماد مفقود شده ادامه داشت تا اینکه زن جوان موفق به برقراری تماس با شوهر آتش‌افروزش شد.

چند روز از این حادثه که کودک مرد عصبانی و بچه یکی از همسایگان در آن آسیب دیده بودند گذشته بود که متهم در تله ضابطان قضایی افتاد و سر قرار با مادر زنش حاضر شد. او که از زنده ماندن مادر زنش حسابی عصبی بود به قصد کشتن این زن به راه افتاد تا با ضربات چاقوی ضامن‌دارش کار را تمام کند اما نمی‌دانست که یک سر این ماجرا افسران پلیسی هستند که برای دستگیری‌اش به انتظار نشسته‌اند. با مشاهده متهم، مأموران که بیم آسیب رساندن او به زن سال‌خورده را داشتند، بلافاصله وارد عمل شدند و داماد خشمگین را دستگیر کردند.

عکس تزئینی است

می‌خواستم مادرزنم را با چاقو بزنم

متهم پس از انتقال به کلانتری به جرمش اعتراف کرد و مدعی شد که به دلیل اختلاف خانوادگی با همسرش این آتش را به راه انداخته و قصد داشته در قرار ملاقات هم مادرزن خود را با چاقوی ضامن‌دارش بزند اما به دام پلیس افتاده است.

روز بعد از این ماجرا متهم به دادسرا منتقل و اظهارات قبلی‌اش را انکار کرد که با دستور یکی از قضات کشیک روانه زندان شد. پرونده او در دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۶ مشهد نزد شعبه ۶۲۳ گشوده و قاضی ابراهیم‌زاده مسئول رسیدگی به ادامه تحقیقات این ماجرا شد.

ادامه بررسی‌های این پرونده با اظهارات جدید متهم و رد اعترافات قبلی‌اش بُعد تازه‌تری به خود گرفت و این مرد سی‌وسه ساله مدعی شد که آتش‌سوزی خانه مادرزنش کار او نبوده است. این مرد جوان در اعترافات جدیدش به قاضی ابراهیم‌زاده گفت: «همسرم ترکم کرد و به خانه مادرش رفت. مادرش هم به جای اینکه رابطه‌مان را جوش بدهد، آتش بیار معرکه شده بود و حتی نمی‌گذاشت زن و فرزندم را ببینم.» او در بخش دیگری از اظهاراتش مدعی شد: «خانه آن‌ها را به آتش نکشیدم و این کار را مادرزنم انجام داده تا بتواند طلاق دخترش را از من بگیرد.»

قرار سنگین قضایی برای متهم

از جایی که متهم حرفش را در مرحله تحقیقات قضایی عوض کرده بود با دستور قاضی ابراهیم‌زاده پرونده برای تکمیل بررسی‌ها و به منظور بازسازی صحنه ارتکاب جرم در اختیار پلیس قرار گرفت. این مقام قضایی در گفت‌وگو با شهرآرا اظهار کرد که تا پایان تحقیقات این پرونده نمی‌توان اظهار نظر دقیقی داشت اما شواهد و ادله موجود از نقش داشتن متهم در این حادثه حکایت دارد.

ابراهیم‌زاده بیان کرد: اکنون متهم با قرار وثیقه ۲۰۰ میلیون تومانی راهی زندان شده است و تحقیقات دراین‌باره از او ادامه دارد. دادیار شعبه ۶۲۳ دادسرای صدف ادامه داد: همچنین در زمان دستگیری متهم مأموران پلیس در بازرسی بدنی از او یک قبضه چاقوی ضامن‌دار کشف کرده‌اند که این مرد جوان در اظهارات اولیه‌اش مدعی شده بوده برای آسیب رساندن به مادر زنش آن را همراه خود داشته است.

خبر

لرزه بر قامت آذربایجان

زمین‌لرزه ۴,۸ ریشتری شمال غرب کشور را لرزاند

گروه حوادث| بامداد دیروز زمین‌لرزه‌ای بزرگ خواب را از چشمان استان‌های شمال غربی کشور ربود. زمین‌لرزه‌ای که کانون آن در استان آذربایجان شرقی بود و متأسفانه ۶ هم‌وطن در این زمین‌لرزه جان خود را از دست دادند.

بامداد پرماجرا

زمین‌لرزه آذربایجان شرقی ساعت ۲:۱۷ صبح در عمق ۸کیلومتری زمین تا شعاع ۳۰ کیلومتری کانون زلزله یعنی استان آذربایجان شرقی، ترک و سراب را لرزاند. این زلزله را اهالی ۶ شهر میانه، سراب، ترک، ترکمنچای، بستان آباد، هشترود و ۱۴۵روستا با جمعیت ۱۲۱هزار و ۳۰۷نفر حس کردند و ۵۷پس لرزه نیز گزارش شده است که بزرگ‌ترین آن‌ها ۴٫۸ ریشتر و در ساعت ۳:۰۲ بامداد منطقه ترکمانچای سراب را لرزاند.

در این زمین‌لرزه تا لحظه تنظیم این مطلب،۶نفر جان باخته و بیش از ۳۰۰نفر نیز مصدوم شده‌اند، هم‌زمان با اعلام وقوع زلزله، حسن روحانی، رئیس‌جمهور کشور در تماس تلفنی با استاندار آذربایجان‌شرقی در جریان آخرین وضعیت زلزله‌زدگان شهرستان میانه قرار گرفت و جان باختن تعدادی از هم‌وطنان را در این زلزله تسلیت گفت و بر بسیج تمامی امکانات استان برای امدادرسانی و اسکان زلزله‌زدگان تأکید کرد.

هیچ زلزله‌زده‌ای زیر آوار نیست

هم‌زمان با آغاز امدادرسانی به خسارت‌دیدگان این زلزله، محمدرضا پورمحمدی استاندار آذربایجان‌شرقی با بیان اینکه اسکان اضطراری روستاهای زلزله‌زده انجام شده است، اعلام کرد: هیچ زلزله‌زده‌ای زیر آوار وجود ندارد و آواربرداری از روستاهای زلزله‌زده این استان آغاز شده است. آواربرداری روستای ورنکش ترکمانچای، ورزقان و یک روستای دیگر ترک با سرعت در حال انجام است و تجهیزات لازم برای آواربرداری به این مناطق اعزام شده است.

استاندار آذربایجان شرقی یادآور شد: نیاز به حضور مردم برای امداد در مناطق زلزله‌زده وجود ندارد و امکانات لازم مثل پتو در حال توزیع در منطقه است ضمن آنکه گاز مناطق زلزله‌زده به جز یک روستا وصل شده است.

خسارت عمده به روستاها

مرتضی سلیمی، رئیس سازمان امداد و نجات هلال احمر با اعلام اینکه از بامداد دیروز ۳۰ تیم عملیاتی در مناطق زلزله‌زده آذربایجان‌شرقی مشغول امدادرسانی به هم‌وطنان هستند، از شروع اسکان اضطراری در روستای ورنکش خبرداد و گفت: دو بالگرد هم در منطقه آماده هستند و ۶۵ روستا ارزیابی شده که ۷روستا بیشترین خسارت را داشته و بیشترین تخریب در ورنکش با ۳۰واحد تخریبی گزارش شده است.

محمدرضا مشایخی، فرماندار میانه به عنوان نزدیک‌ترین شهر به کانون زلزله از تأمین چادر و غذای ۷۲ساعته از سوی هلال احمر در روستاهای زلزله‌زده این شهرستان خبرداد و گفت: روستاهای بخش ترکمنچای، کندوان و مرکزی این شهرستان با خسارات ۵ الی ۷۰درصدی مواجه شدند که در این میان ۹۰۰ رأس دام شامل ۲۵۰ رأس دام سنگین و ۶۵۰ رأس دام سبک در ۱۶ روستا و در ۱۷۰ واحد اماکن دامی شهرستان تلف شدند و خسارت ۴۰ تا ۱۰۰ درصدی به این اماکن دامی وارد شده است.

تولیت آستان قدس رضوی نیز برای کمک رسانی به مناطق زلزله زده آذربایجان شرقی دستور ویژه ای صادر کرد از همین رو حجت الاسلام والمسلمین مروی به بسیج امکانات لازم و اعزام خادمیاران رضوی به مناطق زلزله زده و خدمت رسانی مطلوب به زلزله زدگان در کنار دستگاه‌های امداد رسان تاکید کرد.

قائم مقام تولیت آستان قدس رضوی نیز ماموریت یافت تا ضمن بررسی آخرین وضعیت مناطق و نیازهای اولیه زلزله زدگان، نسبت به تامین و بسیج امکانات لازم متناسب با ظرفیت‌های آستان قدس اقدام کند.

مروری بر تاریخی لرزان

ایران یکی از کشورهای زلزله‌خیز دنیا محسوب می‌شود چرا که چند گسل عمده درست زیر پایمان جاخوش کرده‌اند- موضوعی که عده‌ای با تمسک به آن شایعات زیادی درست کرده‌اند، مانند پیش‌بینی وقوع زلزله مهیب در تهران- از سال ۲۳۵شمسی که یکی از بزرگ‌ترین زلزله‌های کشور با قدرت ۷٫۹ ریشتر در شهر دامغان با ۲۰۰هزار کشته ثبت می‌شود و لقب ششمین زمین‌لرزه کشنده در تاریخ مدون بشر را به خود می‌گیرد، تقریبا هر ۱۰سال یک زمین‌لرزه مرگ‌بار در کشور رخ داده است، مانند زمین‌لرزه بوئین زهرا با شدت ۷٫۲ریشتر و ۱۰هزار کشته در سال ۱۳۴۱، زلزله طبس با شدت ۷/۷ریشتر در سال ۱۳۵۷ با ۱۹هزار و ۶۰۰قربانی، زلزله رودبار و منجیل در سال ۱۳۶۹ با شدت ۷٫۴ ریشتر و ۳۵هزار کشته، زمین‌لرزه شهر تاریخی بم در سال ۱۳۸۲با قدرت ۶٫۵ریشتر و ۴۱هزار کشته، زمین‌لرزه ۶٫۴ریشتری زرند در سال ۱۳۸۳با ۶۱۲کشته و زلزله اهر و ورزقان در سال ۱۳۹۱با شدت ۶٫۲ریشتر و ۲۵۰ کشته.